

## از راگیانا تا پاسارگاد

جوناندرینگ  
ترجمه: رضا دستجردی



راگیانا در جاده‌ای باستانی واقع شده بود که از بابل آغاز می‌شد، از مسیر اکباتان به راگیانا (ری) می‌رفت و از آنجا از طریق پارتیا به سوسیا (مشهد امروزی) می‌رسید و سپس به دو شاخه تقسیم می‌شد. در شاخه شمالی که به راه ابریشم معروف بود از مسیر صحرائی قره قروم به مارگیانا (مرو) و باکترا (بلخ) و از آنجا به پامیراس و چین می‌رسید. شاخه جنوبی نیز از مسیر آراکوسیا به دره هند می‌رفت. تجار و بازرگانان قرن‌های متمادی از این جاده عبور می‌کردند و به راگیانا می‌رسیدند و از آنجا در صورت نیاز به سوی دریای کاسپین ادامه مسیر می‌دادند.

نام راگیانا در بسیاری از متون کهن آمده است، اما قدیمی‌ترین منبعی که به این نام اشاره کرده توبیت کتاب یهودیان است که در آن به یهودیانی اشاره شده که تا زمان تبعیدشان از اسرائیل به آشور در این شهر می‌زیستند. حقیقت این گفتار چندان مشخص و قابل اثبات نیست.

یهودیان تنها ساکنان راگیانا نبودند. ری برای زردشتیان هم محتملاً به عنوان شهری مذهبی اهمیت فراوانی داشت. اوستا از راگیانا به عنوان یکی از مخلوقات اهورامزدا و شهری از سه نسل یاد می‌کند. در بند هجدهم از یسنای نوزدهم در ارتباط با راگیانا پرسیده می‌شود:

<چه تعداد پیشوا در این شهر هست؟>

و پاسخ می‌آید: <خداوندگار خانه، خداوندگار شهر، خداوندگار ایالت و اهورامزدا موبد بزرگ.>

به عبارت دیگر پیشوای بزرگ زردشتیان حاکمیت شهر را در دست داشت.

قلعه مشهوری در ناحیه دباوند، در ایالت ری وجود دارد. این قلعه بسیار مستحکم بود. گفته می‌شود عمر این قلعه به سه هزار سال می‌رسید که در حقیقت قلعه موبدان موبد در دوران الحاد بود.

این فرضیه نیز مطرح است که راگیانا مسند پیشوای زردشتیان بود که محتملاً موبدان موبد نبوده است.

قلعه مذکور در تابستان سال ۵۲۱ پیش از میلاد محل دستگیری فرااورتس پادشاهی شورش بود که توسط سپاهیان داریوش بزرگ مغلوب شد. در تابستان سال ۳۳۰ پیش از میلاد، داریوش سوم آخرین پادشاه پارسی به سمت ری گریخت و پس از آن به دست بسوس کشته شد.

شهر توسط سلوکوس نیکاتور پادشاه سلوکی با نام اورپوس بازسازی شد. راگیانا که در عصر پارتیان آرساکیا خوانده می‌شد اقامتگاه بهاری پادشاهان این دودمان بود. (پادشاهان پارتی زمستان‌شان را در بابل و بقیه سال را در هکتاومیلوس می‌گذراندند.)

مشخص نیست که آیا این شهر با راگیانایی که سه مرتبه در اوستا از آن یاد شده ارتباط و شباهتی دارد یا خیر.

\*\*\*

## پاسارگاد

بر اساس نوشته‌های استرابو، جغرافی‌دان رومی، پاسارگاد در محلی بنا شد که کوروش کبیر، آستیاگس رهبر مادها را در سال ۵۵۰ پیش از میلاد شکست داد. در حقیقت کوروش کبیر بنیانگذار شهر بوده و این را می‌توان از طریق نیشته‌های به‌دست آمده از کاخ اثبات نمود.

مرکزیت پاسارگاد، قلعه‌ای نظامی است که به تل تخت مشهور است. کاخ از جنوب بر یک باغ و محوطه اطرف مشرف است. محوطه کاخ متشکل از دو بخش مسکونی و تعدادی تالار بارعام ستون‌دار است. تالار بارعام یا آپادانا از طرف جنوب شرقی قابل مشاهده است. میهمان کاخ باید از یک دروازه عبور کند و آنگاه از روی پلی که بر رود پولور قرار گرفته رد شود.

آپادانا از نقطه نظر سبک بنا، از معماری سنتی کوچ نشین‌های ایرانی‌ای تبعیت کرده که در خیمه و چادرهای بزرگ زندگی می‌کردند. کوروش از عناصر فرهنگی ملل دیگر هم از جمله پیکرتراشی کاخ‌های آشوریان که به‌دست استون‌ماسونس یونانی انجام شده بود استفاده می‌کرد.

معماری مقبره کوچک کوروش از الگویی برگرفته از غرب ترکیه امروزی اقتباس شده بود. مقبره کوروش بسیار مورد تکریم و احترام حکام بعدی بود. اسکندر مقدونی در ۳۲۴ پیش از میلاد دستور بازسازی مقبره را صادر نمود. مقبره کوروش کبیر هیچگاه کامل نشد.

داریوش بزرگ، پرسپولیس را در فاصله ۴۳ کیلومتری رود پولور احداث نمود. پاسارگاد علیرغم بنای پرسپولیس، محتملاً به عنوان پایتختی آیینی همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است.

منبع: اعتماد ملی